

ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن

محسن خوش فر*، حسین عساریان نژاد*، سید حمید جزایری*

چکیده

قدرت نرم اصطلاحی نوپدید در ادبیات سیاسی دنیاست. در علوم سیاسی تعریف‌های گوناگونی، که عمدتاً از دانشمندان غربی بوده، از آن صورت گرفته است. در فضای علمی داخل کشور ج.ا.ا نیز این تعریف‌ها بر فضای علمی سایه افکنده است. آنچه در این بین ضروری می‌نماید بازتعریف ماهیت این قدرت از دیدگاه قرآن کریم است به‌عنوان متنی که بیانگر کلام خداوند می‌باشد. این مقاله با رویکرد کیفی تحلیلی - توصیفی متنی و با روش تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن به این پرسش که دیدگاه قرآن درباره ماهیت قدرت نرم مطلوب از نظر اسلام چیست؛ پرداخته است. در نتیجه این پژوهش به دست آمد که برخلاف تعریف‌های غربی، ماهیت قدرت نرم از دیدگاه قرآن نه تنها شامل تأثیرگذاری از طریق جاذبه بر جامعه هدف است، بلکه شامل قدرت بازدارندگی هم شده و زمینه‌های تطمیع نرم و تهدید نرم را نیز دربر می‌گیرد. از طرف دیگر، قدرت نرم رابطه‌ای دوسویه میان مردم و جوامع با همدیگر نیست، بلکه رابطه‌ای سه سویه است که در جانب اصلی آن خداوند به‌عنوان تنها قدرت مطلق عالم قرار دارد. همچنین منابع اخذ شده در ماهیت قدرت نرم الهی در قرآن منحصراً در حیطة اوامر الهی بوده و تخطی از آن خروج قدرت نرم را از جنبه الهی بودن به شیطانی بودن، باعث می‌گردد و این

* استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه، (نویسنده مسئول)، mohsenkhoshfar@yahoo.co.

* استاد دانشگاه عالی دفاع ملی، Basiri360@yahoo.com.

* استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه، quran.olom@chmail.ir.

نکته همان فارق اساسی در مطلوبیت قدرت نرم محسوب می‌شود. نکته آخر اینکه مؤلفه‌های قدرت نرم که در ماهیت آن أخذ می‌شوند اعم از مادی و معنوی است، برخلاف تعریف غربی که توجه خاص به عوامل مادی دارد. **واژه‌های کلیدی:** ماهیت قدرت نرم، قرآن، قدرت نرم مطلوب، اسلام، تفسیر استنتاجی

مقدمه

قدرت نرم از مفاهیم نوپدید در ادبیات علمی جهان است که از ورود آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. قدرت نرم، امروزه با مفاهیمی همچون جنگ نرم، تهاجم نرم، امنیت نرم، پدافند غیرعامل و مفاهیم مهم دیگری ارتباط پیدا کرده است. در جامعه جهانی، امروزه سیاست‌گذاری کشورها از قدرت سخت به قدرت نرم و جنگ نرم تغییر یافته و این نیست مگر به سبب مزایای چشمگیری که قدرت نرم و به تبع آن جنگ نرم در درون خود داراست. از طرفی، با اینکه اسلام غنی‌ترین مکتب جهان‌بینی را دارد و از زمان پیدایی خود عمدتاً با قدرت نرم خود توانسته بیش از ۱۴ میلیارد از جمعیت کنونی جهان را به خود جذب کند، با این حال، قاطبه پژوهش‌ها در زمینه قدرت نرم را غربی‌ها و به‌ویژه دشمنان اسلام، انجام داده‌اند. در چنین برهه‌ای از تاریخ علم، لازم است با رجوع به اصلی‌ترین منبع اسلامی و برترین سند بالادستی پژوهش‌ها و فعالیت‌های سیاسی مکتب اسلام یعنی قرآن، سعی در کشف نظریه قرآن در مورد قدرت نرم شود. در این بین قبل از انجام دادن هر تحقیقی در این زمینه باید چیستی و ماهیت قدرت نرم واری گردد.

موضوعی که در ابتدای تحقیقات اسلامی در حوزه قدرت نرم باید بررسی شود، دیدگاه قرآن در مورد ماهیت قدرت نرم است. بدیهی است که تحقیقات لازم در مورد جنبه‌های دیگری از قدرت نرم همچون: منشأها، مؤلفه‌ها، لایه‌ها، انواع، منابع، ابزار، توزیع و کنترل متوقف بر فهم صحیح از ماهیت قدرت نرم در قرآن است. از قدرت نرم در ادبیات سیاسی دنیا تعاریف بسیاری بیان گردیده است، اما باید توجه کرد که آیا در ایدئولوژی قرآنی نیز قدرت نرم مطلوب بر همین اساس تعریف می‌گردد؟ یا با توجه به مبانی خاص قرآنی و الهی باید بازتعریفی از قدرت نرم مطلوب دینی ارائه گردد که دیگر تحقیقات در حوزه اسلامی قدرت نرم با توجه به این ماهیت انجام پذیرد.

این مقاله برای بررسی پاسخ به این سؤال و بیان چستی قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن سامان یافته است.

فایده‌ای که از رهگذر این تحقیق به دست خواهد آمد شناسایی ماهیت قدرت نرم است که در نتیجه آن، تحقیقات آینده چهارچوب مشخص خود را خواهد یافت و از خروج موضوعی آن‌ها از ماهیت قرآنی قدرت نرم جلوگیری می‌گردد.

پیشینه

تاکنون درباره این سؤال که قدرت نرم از منظر قرآن چیست، هیچ تحقیق مستقلی صورت نپذیرفته است. عمده تحقیقات صورت گرفته در این زمینه در چند دسته قابل بیان است. برخی در مورد مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر قرآن انجام شده است؛ همچون پایان‌نامه قدرت نرم از منظر قرآن نوشته وحید کرباسی عامل که در صفحات اندکی از این پایان‌نامه به چستی قدرت نرم پرداخته شده است که نتیجه آن تحقیق نیز با نتیجه مقاله پیش رو متفاوت است و بقیه تحقیق به بررسی عوامل قدرت نرم پرداخته است نه ماهیت و چستی قدرت نرم. برخی به قدرت نرم از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند؛ همچون رساله نقد و ارزیابی نظریه قدرت نرم از دیدگاه اسلام نوشته مهدی جعفری‌پناه، که عمدتاً منابع اسلامی را نیز با رویکرد ماهوی قدرت نرم غربی بررسی کرده است. برخی در مورد جنگ نرم در قرآن است؛ همچون پایان‌نامه اصول جنگ نرم در قرآن از روح‌الله سعیدی فاضل. این تحقیق در مورد جنگ نرم است نه قدرت نرم و به بحث چستی قدرت نرم نیز نپرداخته است. برخی تحقیقات نیز در خصوص قدرت نرم از منظر امام خمینی علیه السلام یا امام‌خامنه‌ای انجام پذیرفته؛ همچون شاخص‌های قدرت نرم ج.ا.ا. از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته داود شهرکی نیا که در این تحقیقات نیز به بحث ماهیت قدرت نرم پرداخته نشده است. دسته دیگر تحقیقات در خصوص قدرت نرم از دیدگاه‌های غیراسلامی است که سلسله کتاب‌های متعددی که دانشگاه امام‌صادق علیه السلام منتشر کرده است، همچون قدرت نرم در برابر قدرت سخت نوشته جان‌تاتان استیل از این زمره‌اند. پرواضح است که تحقیقات مزبور هیچ ارتباطی به قدرت نرم اسلامی و قرآنی ندارند. پس می‌توان ادعا کرد که این مقاله اولین تحقیق مستقل درباره چستی قدرت نرم از منظر قرآن است.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق کیفی بوده و از رویکرد تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و عمده متن محوری این تحقیق قرآن و تحقیقات صورت گرفته در حیطه قدرت نرم بوده است. روش تفسیری که در این تحقیق استفاده شده، روش تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن است. از روش تفسیر استنباطی شهید صدر نیز استفاده شده است؛ به این معنا که موضوعات مورد بحث، از خارج قرآن بر قرآن عرضه شده و احکام و نظر الهی از دیدگاه قرآن استنباط شده است. توضیح اینکه: اگر موضوع و مسئله از تجربیات بشری و علوم انسانی و تئوری‌ها و مکتب‌ها گرفته شده باشد و هدف، عرضه این موضوعات و مسائل بر قرآن و یافتن پاسخ قرآن به آن‌ها باشد، در این صورت روش تفسیر موضوعی، استنباطی است. (قاضی زاده، ۱۳۹۶: ۱۶) موضوع‌های میان رشته‌ای همچون: اقتصاد مقاومتی در قرآن، نظام مهندسی فرهنگی در قرآن، دیپلماسی عمومی در قرآن، و بایسته‌ها و مبانی گردشگری اسلامی در قرآن از این نوع تحقیق‌های استنباطی هستند.

در روش استنباطی به دلیل اینکه موضوع از خارج قرآن بر قرآن عرضه می‌شود، بدیهی است که دلالت‌های منطوقی آیات بر موضوع بحث یا موجود نیست، یا در حداقل ممکن است. لذا توجه به دیگر دلالت‌های مورد قبول در تفسیر قرآن حائز اهمیت است. دلالت‌های مختلفی همچون: دلالت عقلی، دلالت‌های وضعی شامل تطابقی، تضمینی و التزامی، دلالت اقتضا، دلالت تنبیه و اشاره و بقیه دلالت‌های التزامی کلام از این جمله هستند.

توجه و استفاده از این دلالت‌ها در تفسیر استنباطی جزو ارکان روش تفسیری است؛ زیرا اگر فقط مدلول‌های منطوقی آیات مورد توجه باشد، هرگونه تحقیقی که موضوع آن خارج از قرآن باشد، در قرآن غیر ممکن می‌گردد. در این تحقیق نیز در فهم آیات و دلالت معانی آیات بر ماهیت قدرت نرم، به این دلالت‌ها توجه شده است و محقق خود را ملتزم دانسته که در فهم معانی ضمن بهره‌وری از این دلالت‌ها، پا را از آن فراتر نگذاشته و پیرو اسلوب محاوره‌ای عقلا و اصول عقلی در فهم کلام خداوند باشد.

در روش استنباطی ابتدا سؤال‌ها درباره موضوع مورد بحث از خارج قرآن بر آن عرضه

می‌شود؛ سپس دیدگاه قرآن درباره آن سؤال دریافت شده و در نهایت با کنارهم قرار دادن این جواب‌ها نظریه قرآن در مورد موضوع عرضه شده بر آن به دست خواهد آمد.

برای مثال در تعریف مشهور از قدرت نرم که به قدرت جذابیت تعریف شده است، مشاهده می‌شود اطلاق موجود در این تعریف همه‌گونه جذابیتی را در بر می‌گیرد؛ اعم از اینکه این جذابیت از نظر دین حلال باشد یا حرام. حال این سؤال به وجود می‌آید که آیا در تعریف قدرت نرم، قید مطابقت با رضایت الهی وجود دارد، یا این تعریف از نظر قرآن نیز مطلق است؟ بدیهی است که پاسخ این سؤال صریحاً در قرآن نیامده است، زیرا سؤال در مورد موضوعی است که اساساً در قرآن در مورد آن سخنی به میان نیامده و اصطلاحاً موضوع برون قرآنی است. اینجاست که روش استنباطی بیان می‌دارد که سؤال را باید بر قرآن عرضه و به جوابی که از آیات به هر یک از دلالت‌های مذکور به دست می‌آید توجه و آن را پاسخ سؤال محسوب کرد. با مراجعه به قرآن و مطالعه آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (إسراء: ۸۱) مشاهده می‌شود این آیه بیان می‌دارد که باطل سرانجام نابود شدنی است. از آنجاکه در آیات قرآن باطل بر هرآن چیزی که ناپسند الهی باشد اطلاق می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که قدرت نرمی که به واسطه باطل به دست آید قطعاً نابودشدنی است و همواره قدرت باقی نخواهد ماند. در نتیجه قدرت نرم مطلوب نخواهد بود. به این طریق قید «مورد رضای الهی» بودن در تعریف قدرت نرم مطلوب قرآنی، کشف می‌گردد.

مفاهیم

قدرت در لغت

واژه قدرت در زبان فارسی به معنای توانایی یا توانمندی است که میزان تأثیر بالقوه یا بالفعل یک فرد یا شیء بر افراد یا اشیای دیگر را نشان می‌دهد. (دهخدا، ۱۳۴۰: ۱۷۶) در لغت عرب، قدر علی الشیء به معنای مالک بودن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۱۳) معنا شده است، یعنی داشتن قوه و نیرو در انجام دادن یا ترک کردن کاری؛ به این معنا که هرگاه بخواند، نیروی انجامش را داشته باشد و هرگاه نخواهد، بتواند آن را ترک کند (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۹/ ۲۰۵) و همان‌گونه که ابن فارس تصریح کرده، ریشه معنایی این واژه «رسیدن به چیزی و

انتها و کنه آن است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۲/۵) و هم ایشان، شخص دارای قدرت را این گونه معنا می‌کند: «شخصی که با آسانی و با دارایی‌هایش به آنچه اراده کرده است می‌رسد.» در زبان عرب لفظ قوه نیز به همین معنا به کار می‌رود؛ چنان‌که راغب به آن تصریح دارد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۳) به گونه‌ای که برخی قدرت را به قوی شدن بر کاری و تمکن پیدا کردن بر انجام آن معنا کرده‌اند (فیومی، بی تا: ۴۹۲/۲). در زبان انگلیسی نیز الفاظی همچون Power و authority که هم‌معنای قدرت به کار می‌روند در اصل معنایی خود به: توانایی یا ظرفیت انجام چیزی یا فعالیت به یک طریق ویژه معنا می‌دهند (oxford advanced learners dictionary, 2005: p1180)

اصطلاح‌شناسی قدرت

آنچه در این تحقیق مورد نظر است در حقیقت اصطلاح‌شناسی قدرت نرم است. اما باید توجه داشت که اصطلاح قدرت نرم در چند دهه اخیر جعل شده است و در کلام دانشمندان پیشین اثری از این اصطلاح نیست. نکته مهم این است که قدرت نرم بحثی انشعاب‌یافته از بحث قدرت است که سال‌هاست مورد بحث دانشمندان بخصوص غربی‌ها قرار گرفته است. و چه بسا آنان در لابه‌لای مباحث خود مطالبی را مطرح کرده‌اند که به اصطلاح امروزی جزو مباحث قدرت نرم می‌گنجد. لذا در این تحقیق اصطلاح قدرت نرم نیز بررسی می‌گردد تا از دریچه آن بتوان زوایای مختلف قدرت نرم را وارسی کرد.

اصطلاح قدرت در علوم سیاسی

قدرت به معنای کنترل رفتار دیگران (لوکس، ۱۳۷۰: ۴) یا امکان تحمیل اراده فرد بر رفتار جمعی دیگر (دوورژه، ۱۳۵۴: ۲۰) یا توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۳) است.

برتراند راسل آن را پدید آوردن آثار مطلوب (راسل، ۱۳۶۷: ۵۵) و ماکس وبر، امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران تعریف کرده‌اند (وبر، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ۱۳۸۸: ۱۳۹) و برخی آن را داشتن توانایی برای رسیدن به هدف می‌دانند (پورطاهر زرعی، ۱۳۹۱: ۲۵) و به بیان رساتر، قدرت، ظرفیت و استعداد درونی یک فرد یا واحد سیاسی

است. قدرت از جنس نفوذ است و بر توانایی واداشتن دیگری بر انجام دادن یا ندادن کاری دلالت می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۴۷). از نظر جوزف نای، قدرت به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است. (نای، ۱۳۸۷: ۴۶)

اصطلاح قدرت در جامعه‌شناسی

در جامعه‌شناسی، اصطلاح قدرت با مفهومی وسیع‌تر و عام‌تر از قدرت سیاسی که دانشمندان علوم سیاسی تعریف کرده‌اند، شناسانده می‌شود، به گونه‌ای که بتواند همه روابط قدرتی جامعه اعم از سیاسی یا غیرسیاسی را تبیین کند.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد قدرت در جامعه‌شناسی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بیان خواهد شد.

تعریف طبقاتی و سرمایه‌داری قدرت

مارکس پس از تقسیم جامعه به دو طبقه سرمایه‌دار و کارگر، بیان می‌دارد: قدرت عمومی، به معنای دقیق کلمه همانا قدرت سازمان‌یافته یک طبقه برای ستمگری بر طبقه دیگر است. (مارکس؛ به نقل از آرون، ۱۳۸۶: ۱۶۹) از این روست که وی قدرت سیاسی را مظهر تعارض‌های اجتماعی می‌داند.

بنابر این، از دیدگاه مارکس قدرت با سه ویژگی شناخته می‌شود:

قدرت خصیصه طبقاتی دارد و پیوسته در رابطه یک طبقه با طبقه دیگر تحقق‌پذیر خواهد بود؛

قدرت هیچ‌گاه نمی‌تواند مشروع باشد؛ زیرا از علائم ناسالم بودن جامعه است؛

قدرت خصیصه اضافی و ارتباطی دارد و تنها در میان دو طبقه می‌تواند شکل بگیرد.

نکته مشهود در تعریف مارکس از قدرت که عیناً در قدرت نرم نیز می‌تواند جریان پیدا کند، این است که قدرت را زائیده طبقاتی بودن جامعه می‌پندارد. اگر این نکته صحیح باشد، در جامعه‌ای که طبقات وجود نداشته باشد (البته نظر مارکس بیشتر بر طبقات اقتصادی معطوف است، ولی این تحقیق نظر کلی‌تری را مدنظر قرار می‌دهد؛ چرا که در جامعه غیر از وجه اقتصادی طبقات دیگری نیز وجود دارند) قدرت مطرح نخواهد بود. در صورتی که براساس مبانی قرآنی که بعداً خواهد آمد قدرت‌افزایی نرم منحصرأ منوط به

وجود گروه دیگری برای اعمال زور و ظلم بر آن گروه نیست. چنان که به عنوان مثال، ایمان به خدا باعث تقویت فرد و جامعه می شود و حتی اگر در جامعه طبقات هم نباشد این قدرت محقق می شود. البته بدیهی است که در صورت وجود طبقات نیز این قدرت فی نفسه، باعث اقتدار طبقه مؤمن می گردد.

بنابراین، چه بسا به دلیل تفکرات مارکسیستی که مبتنی بر طبقات گرایی است، برخی در تعریف قدرت نرم نیز دائم به تأثیرگذاری یک طرف بر طرف دیگر تکیه دارند و ایجاد قدرت برای فرد یا جامعه را بدون در نظر گرفتن طرف دیگر در تعریف خود بیان نکرده اند (مثلاً تعاریف جوزف نای از قدرت نرم از این دسته است).

پیشینه تعریف قدرت نرم

زیربنای فکری قدرت نرم اولین بار توسط دانشمند ایرانی پروفیسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶ در کتاب "اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل" به شکل علمی مطرح شد. اگرچه در محافل بین المللی به غلط و همانند بسیاری از علوم که پیدایی آن را به غربی ها نسبت می دهند، شکل گیری این موضوع را نیز به جوزف نای امریکایی نسبت می دهند (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰: ۲۵). اما آنچه مسلم است، جوزف نای که شخصیت نتولیرال امریکایی است نظریه خویش را به صورت علمی پرورش داد. وی این نظریه را در سال های ۱۹۹۸-۱۹۹۰ در مقاله ای با عنوان "ماهیت متحول قدرت جهان" مطرح و در آثار بعدی به تفصیل بیشتر آن را پردازش کرد (قهرمانپور، ۱۳۹۳: ۱۷).

تعریف غرب از قدرت نرم

برخی، قدرت نظامی را قدرت سخت و قدرت اقتصادی را با عنوان قدرت نیمه سخت بیان و سپس قدرت نرم را این گونه تعریف کرده اند: "قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار و تطمیع (نای، ۱۳۸۷: ۲۴) و همو قدرت نرم را قدرت جذابیت (همان: ۴۴) یا توانایی تعیین اولویت های دیگران یا قدرت متقاعد کردن آنان (همان: ۴۴ و ۴۶) از طریق جذابیت های فرهنگی، سیاسی و شخصیتی تعریف می کند. وی در جای دیگر بیان می دارد: "از بین سه راه تأثیر بر رفتار دیگران، اجبار، ایجاد انگیزه و جذب کردن، من واژه قدرت نرم را برای سومی استفاده می کنم (نای، ۱۳۸۷: ۲۹)

برخی، قدرت نرم را ناظر بر شرایط و روابطی می‌دانند که یک بازیگر یا کشور از طریق ایجاد خودآگاهی کاذب در بازیگر یا کشور دیگر به‌گونه‌ای ارجحیت‌ها، خواسته‌ها، انتظارات و منافع او را شکل دهد که وی همان چیزی را بخواهد، ترجیح دهد و انتخاب کند که مطلوب بازیگر و کشور اول باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۸) بسیاری پژوهشگران این تعریف از قدرت نرم را پذیرفته‌اند (کرباسی عامل، ۱۳۹۱: ۱۵).

برخی دیگر از محققان با انتقاد به دیدگاه نای در تعریف منبع محور قدرت نرم، تعریفی رفتارمحور از قدرت نرم ارائه داده‌اند؛ به‌این‌معناکه قدرت نرم نه براساس منابع آن که نرم یا سخت باشد تعریف می‌شود بلکه قدرت نرم به نوع استفاده از قدرت بستگی دارد و حتی اگر از قدرت نظامی و اقتصادی هم در جهت تولید جذابیت استفاده شود، این از مصادیق قدرت نرم است (جیانگ لی، ۱۳۹۰: ۴۲ تا ۴۵).

برخی نیز مدعی شده‌اند قدرت نرم در ادبیات غرب همان چیزی است که در اصطلاح امروزی جنگ نرم تلقی می‌شود و سپس جنگ نرم را عبارت از هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای تعریف کرده‌اند که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وادارد. (هاشمیان‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۵ و ۲۶) هرچند در مورد تعریف اخیر باید بیان کرد جنگ، چنان‌که از معنای لغوی آن نیز بر می‌آید، به‌معنای اقدام برای سلب امنیت، مال و مردم از یک جامعه است (ر.ک: حمیری، ۱۴۲۰: ۳/۱۳۸۳) اما قدرت چنان‌که در معنای لغوی آن نیز نهفته است توانایی انجام کار است، نه اقدام به آن. و اساساً جنگ در معنای خود نسبت به قدرت لا بشرط است، به‌این‌معناکه جنگ ممکن است رخ دهد ولی قدرت وجود نداشته باشد؛ یا جنگ ممکن است رخ دهد و قدرت هم وجود داشته باشد. بنابراین، تعریف قدرت نرم به جنگ نرم خالی از اشکال نیست.

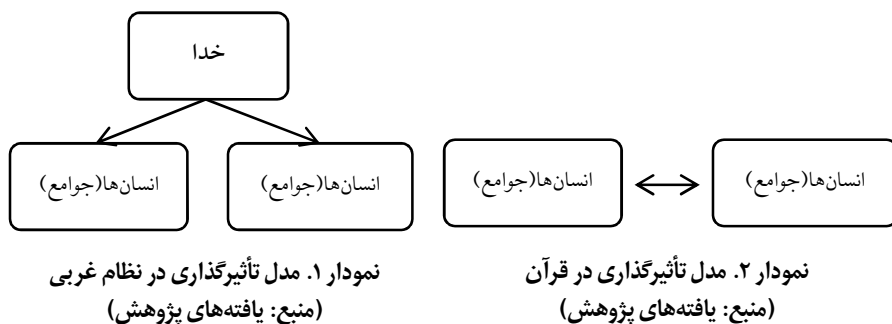
اختلاف ماهوی تعاریف غربی قدرت نرم با قدرت نرم قرآنی

مدل سه قطبی قدرت در قرآن

آنچه در تعاریف غربی مشاهده می‌شود که عمدتاً براساس مبانی غیردینی استوار است، توجه به دوطرفه بودن قدرت و ارتباط قدرت در میان انسان‌ها و جوامع است. توضیح مطلب اینکه این

متفکران چون عامل قدرت و تأثیرگذار در عالم را فقط انسان‌ها می‌دانند، وقتی سخن از تأثیرگذاری بر دیگران می‌شود فقط به این جنبه توجه می‌کنند که چگونه یک انسان، یا دولت بر انسان، یا جامعه دیگر تأثیر بگذارد و در نتیجه جامعه هدف را با خود همراه کرده و ارزش‌ها و باورها و اعمال و رفتار جامعه هدف را همان‌گونه که او می‌خواهد تغییر دهد. (نمودار ۱)

همین ایدئولوژی فکری باعث گردیده که اولاً قدرت نرم به‌گونه‌ای تعریف شود که در بیان هدف از آن، فقط تأثیرگذاری بر دیگران مطرح باشد. به عبارت دیگر، منابع و مؤلفه‌هایی که یک فرد یا جامعه دارا باشد ولی ایجاد جذابیت برای دیگران نداشته باشد در تعریف قدرت نرم نمی‌گنجد. برای مثال اگر انجام اعمال مذهبی و بخصوص کلیسا رفتن، خود موجب ایجاد جذابیت در جامعه هدف نگردد، جزو منابع قدرت نرم به حساب نمی‌آید. درحالی‌که در نظام قرآنی اولاً تأثیرگذار در عالم خداست و اگر هم مخلوقات عالم بر دیگری تأثیر می‌گذارند، ثانیاً و بالعرض بوده و در طول اراده خداوند است. در نتیجه این تفکر، تأثیرگذار بر دیگران نه فقط انسان‌ها و دولت‌ها هستند، بلکه عامل دیگری نیز می‌تواند اراده، ارزش‌ها، رفتار، گرایش‌های دیگران را تغییر دهد و عامل اصلی تأثیرگذار در آن‌ها باشد و آن خداست. (نمودار ۲)



نکته اساسی و مبنایی دیگر در تفکر قرآنی این است که تأثیرگذار حقیقی و تکوینی خداوند است و تأثیر انسان‌ها بر دیگری با اذن الهی و به عبارت دیگر، در طول تأثیرگذاری خداوند است و اگر خداوند اراده بر تأثیرگذاری نداشته باشد، تمام عالم هم جمع شوند ذره‌ای تغییر در عالم ایجاد نخواهد شد. «ما یُفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٍ لَهَا وَ مَا یُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (فاطر: ۲)؛ هر رحمتی را خدا به روی مردم

بگشاید، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد و هرچه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است.»

در نتیجه این تفکرات بنیادین قرآنی قدرت نرم در قرآن، فقط توجه به ایجاد جذابیت برای دیگران نیست تا از رهاورد این جذابیت تغییر در ارزش‌ها، بینش‌ها و رفتار جامعه هدف صورت بگیرد، زیرا چه بسا امری برای جذابیت طرف مقابل صورت بگیرد ولی چون اراده خداوند بر آن تعلق نگرفته است تغییر در جامعه هدف اتفاق نیفتد.

مطابقت با اوامر الهی، عنصر اساسی ماهیت قدرت نرم مطلوب

باتوجه به مطالب بالا در تعریف قدرت نرم به عامل اساسی مؤثر در تغییر در عالم که خداوند باشد توجه می‌شود. در نتیجه در تعریف قدرت نرم مطلوب فقط جذابیت نزد جامعه هدف مطرح نیست بلکه قبل از آن، جذابیت آن منبع نزد خداوند مطرح است که از این عامل در تعابیر قرآنی، به اطاعت فرمان خدا یا مطابقت با خواست خدا تعبیر می‌شود. این عامل از این جهت مورد توجه است که جامعه اسلامی برای اعمال قدرت نرم باید به تطابق رفتار خود با خواست خداوند توجه کند.

بر اساس توجه به این عامل است که هر نوع ایجاد جذابیتی برای تأثیرگذاری در طرف مقابل جایز نیست. مثلاً اگر آزادی‌های جنسی در جوامع غربی به عنوان قدرت نرم آن‌ها برای جذب انسان‌ها به فرهنگ آن‌ها مطرح باشد، در تفکر قرآنی این منبع قدرت نرم نخواهد بود؛ زیرا هر چند ممکن است تا اندازه‌ای باعث گرایش جامعه هدف و تغییر در آن‌ها شود، چون مطابق خواست خداوند نیست موفقیت دائم نخواهد داشت و سرانجام باعث شکست خواهد شد. چراکه این تغییر، حق نبوده و باطل است و آیات قرآنی همچون «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) و «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثِّثُ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم: ۲۶) بیان می‌دارند که باطل هم هیچ‌گاه دوام نخواهد آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۱۷۷).

منابع الهی قدرت نرم، اختلاف بنیادین با تعاریف غربی

تأثیر دیگر مبانی قرآنی در تعریف قدرت نرم، توجه به عامل خدا به عنوان تأثیرگذارترین عامل

تغییر در عالم است. غربی‌ها به دلیل نادیده‌انگاری این عامل تنها به نیروی خود در تأثیرگذاری بر دیگران تکیه می‌کنند اما در قرآن همان جایی هم که به ظاهر، انسان‌ها در دیگران تأثیرگذارند و موفقیت از آن انسان‌هاست، همین موفقیت به خداوند متعال نسبت داده شده است: «فَلَمْ تَشْكُرُوا لَكُمْ وَاللَّهُ فَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (أنفال: ۱۷).

براساس توجه به همین نکته منابع قدرت نرم در مکتب قرآنی بسیار وسیع‌تر از قدرت نرم غربی خواهد بود و بسیاری مؤلفه‌ها و شاخصه‌های قدرت نرم قرآنی با در نظر گرفتن این مبنا عاقلانه و موجه جلوه می‌کند.

در آیات فراوانی خداوند متعال از مؤمنان می‌خواهد که به جای اصلاح روابط خود با طبیعت یا با انسان‌ها و جوامع دیگر به اصلاح رابطه خود با خدا بیندیشند و در نتیجه آن و غیرمستقیم و به واسطه خداوند تأثیرگذاری بر طبیعت یا دیگر انسان‌ها را انجام دهند. و براساس همین مبنا قرآن بیان می‌دارد کسانی که ایمان به خدا دارند و همه اعمال صالح را انجام می‌دهند، خدای متعال، دیگران را دوست‌دار آن‌ها می‌گرداند و محبت آنان را در دل دیگر انسان‌ها قرار می‌دهد. این همان قدرت نرم جذاب است که غربی‌ها از فهم آن عاجزند ولی در مکتب قرآنی پذیرفته شده است. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) یا در روایات آمده است: هرم این حیان از پیغمبر ﷺ روایت کرده: «ما اقبل عبد يقبله الى الله الا اقبل الله يقبله المؤمنين اليه حتى يرزقه مودتهم ورحمتهم؛ هیچ بنده‌ای دل خود را متوجه حق سبحانه و تعالی نسازد مگر آنکه خداوند سبحان دل‌های جمیع مؤمنان را به جانب او معطوف سازد و مودت و عطوفت و رأفت همه را روزی او گرداند تا آنکه همه کس او را دوست داشته باشند» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۵ / ۴۴۳) و ربیع بن آنس نیز از حضرت رسالت ﷺ نقل کرده:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ مُؤْمِنًا قَالَ لِجِبْرِئِيلَ أَنِّي أَحَبَبْتُ فَلَانَا فَاحْبُوهُ فَيُحِبُّهُ جِبْرِئِيلُ ثُمَّ ينادي في السماء الا ان الله احب فلانا فاحبوه فيحببه اهل السماء ثم يوضع له قبول في اهل الارض»

یعنی چون حق سبحانه مؤمنی را دوست دارد، جبرئیل را گوید که من فلان را دوست می‌دارم، تو هم او را دوست دار! جبرئیل او را دوست گیرد و مئادای ندا کند در میان اهل

آسمان که: ای ساکنان آسمان! بدانید حق سبحانه فلان بنده را دوست می‌دارد، شما نیز او را دوست دارید. پس جمیع اهل آسمان او را دوست گیرند. آن‌گاه محبت او را در زمین قرار می‌دهد تا همه زمین نیز او را دوست گیرند (همان: ۵ / ۴۴۳).

توضیح بیشتر اینکه در تفکر غربی و لائیک، همانا انسان فقط خود را تأثیرگذار در عالم می‌داند؛ و لذا در تعاملات با دیگران به دنبال این است که چگونه عوامل موفقیت و پیروزی بر دیگران را کسب کند. مثال ساده در مورد قدرت سخت این است که فقط عده و عده (انسان‌ها و تجهیزات آنان) است که در تفکر غربی عوامل موفقیت هستند. ولی در قرآن کریم علاوه بر سفارش به مسلمانان مبنی بر تدارک عده و عده: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (أنفال: ۶۰)، می‌فرماید اگر ایمان خود به خداوند را تقویت کنید، می‌توانند پیروزی خود را تا ده برابر بالا ببرند «...إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (أنفال: ۶۵) و حتی اگر ایمان آن‌ها ضعیف باشد باز هم به دلیل مسلمان بودن و همین ایمان اندک به خداوند متعال می‌توانند موفقیت خود را تا دو برابر بالا ببرند. «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (أنفال: ۶۶).

بنابراین، ایمان به خدا و به عبارت دیگر، اصلاح رابطه خود و خدا می‌تواند در ارزش، بینش، رفتار و کردار جامعه هدف تأثیرگذار باشد، ولی نه مستقیم، بلکه با محوریت اعمال قدرت خداوند.

باتوجه به همین نکته در آیات قرآن بیان می‌شود که دعای مضطر به درگاه الهی می‌تواند احوال بد را برطرف کند «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل: ۶۲) و یا «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) چرا که خواست (دعا) از درگاه خداوند می‌تواند باعث استجاب شود. حال این عامل خود یک قدرت نرم در رویارویی با دشمنان محسوب می‌شود درحالی‌که تفکر غربی به دلیل عدم پذیرش چنین جهان‌بینی نمی‌تواند بپذیرد که تأثیرپذیری بر علل و اسباب، توسط نیروی غیبی به نام خداوند و با وسیله‌ای قدرت‌افزا به نام دعا به درگاه خداوند صورت پذیرد. ازاین‌رو مسلمانان برای اثرگذاری بر دشمنان خویش افزون بر استفاده از انواع و اقسام قدرت‌های متعارف، از سلاح نرم دعا هم استفاده می‌کنند.

این جنبه از تأثیرگذاری علل و عوامل قدرت نرم در عالم فقط براساس پذیرش ملاک‌های قرآنی مبنی بر فاعلیت خداوند در عالم توجیه‌پذیر است. برای توضیح مطلب مثال دیگری ارائه می‌گردد.

براساس مکتبی که دین را از اداره عالم جدا می‌داند، ازدیاد مال و ثروت فقط از طریق تلاش، تجارت و به کارگیری قوه معاش و عواملی از این قبیل امکان‌پذیر است، ولی در مبنای قرآنی که روزی‌دهنده خدا معرفی می‌گردد و نیز نقش فعال در به دست آوردن روزی توسط انسان‌ها در عالم دارد، عوامل بیشتری به‌عنوان مؤلفه‌های ازدیاد روزی معرفی می‌شود. یکی از این مؤلفه‌ها شکر است: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷) در این مؤلفه انسان به اصلاح رابطه خود و خداوند می‌پردازد و این اصلاح به واسطه ایمان به خداوند و تقوا یعنی انجام واجبات و ترک محرمات است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲/۱۲) و می‌داند که به فرموده خود او اگر کسی این عامل شکر را که همان اعتقاد به منعم بودن خداوند و به کار بستن این نعمت‌ها به منظور رضای الهی باشد، به جای آورد خداوند هم، که تأثیرگذار اصلی در اعطای روزی به بندگان است، روزی او را بیشتر می‌کند. در نتیجه یک مسلمان افزون بر توجه به مؤلفه‌های رایج کسب روزی، می‌تواند برای به دست آوردن روزی به عواملی همچون شکر خداوند نیز دست یازد.

باتوجه به مطالب بیان‌شده، حتی اگر پذیرفته شود که در چیستی قدرت نرم مطلوب، تأثیرگذاری بر اندیشه و رفتار دیگران وجود دارد، منابع قدرت نرم مطلوب، فقط با عبارت «جذاب نزد انسان‌ها» تعریف نمی‌گردد. بلکه قدرت نرم، متشکل از دو محور جذاب نزد خدا (که از آن تعبیر به اعمال صالح عندالله می‌گردد) و «جذاب در بین مردم به شرط عدم مخالفت با جذاییت عندالله» است.

اصالت تقرب و رضای خدا در مقابل اصالت تأثیرگذاری

نکته مشهود دیگر در تعریف قدرت نرم غربی، توجه به این نکته است که هدف از قدرت نرم تأثیرگذاری و غلبه بر دیگران تعریف می‌شود؛ غلبه‌ای که در آن فقط خواست انسان‌ها یا دولت‌ها مدنظر است.

اما قرآن هدف از زندگی را عبادت و اطاعت فرمان خداوند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) معرفی و هدف مطلوب انسانی را به دست آوردن رضای خدا مطرح می‌کند و استفاده از نعمت‌های بهشتی را برای کسانی می‌داند که در این دنیا رضای خدا را به دست آورند «...وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۱۱۴).

در نتیجه، هدف از قدرت نرم اسلامی تسلط بر دیگران برای ایجاد تغییر در آن‌ها نیست، بلکه هدف رضایت خداوند است. همین تغییر در هدف قدرت نرم، ماهیت قدرت نرم در قرآن را در تضاد با ماهیت قدرت نرم غربی معرفی می‌کند. در اسلام اگر هم قدرت نرم یا حتی قدرت سخت اعمال می‌شود برای دست‌یابی به اهداف متعالی قرآنی همچون گسترش توحید و اعتقاد به خداوند و اجرا کردن نظام الهی در جامعه است، نه صرف غلبه بر دیگران. لذا مشاهده می‌شود حضرت سلیمان علیه السلام، که هم از قدرت سخت بهره‌مند بود و هم از قدرت نرم، برای غلبه بر ملکه سبا قبل از دست‌یازیدن به جنگ نظامی، از تهدید نرم «از جعِ اَیْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَدْلَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ» (نمل: ۳۷) استفاده کرده و از قدرت نرم خود در جهت غلبه فکری و اعتقادی بر ملکه سبا بهره برده است. عوامل جذابیت‌زایی که سلیمان علیه السلام از آن‌ها استفاده کرد یکی قدرت علمی غیرعادی و معنوی در آوردن تخت ملکه و ایجاد شگفتی در او بود و دیگری استفاده از قدرت نرم علمی عادی در درگاهش که عبارت بود از ساخت قصری منحصر به فرد که دیدن آن، عظمت سلیمان علیه السلام را برای ملکه تثبیت کرد. ولی باین همه هیچ‌کدام از این قدرت‌نمایی‌ها را به هدف مطلق غلبه استفاده نکرد؛ بلکه هدف او از بهره‌وری از قدرت نرم و غلبه بر اندیشه‌ها و ارزش‌های ملکه سبا، ارائه توحید به او و در نتیجه موحد ساختن جامعه تحت فرمان ملکه سبا بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۵۹) همین نکته نشان می‌دهد که در ماهیت قدرت نرم قرآنی عامل دست‌یابی به رضای خداوند و توحیدمحوری نقش اساسی ایفا می‌کند. چنان‌که حکایت قول ملکه سبا بعد از ایمان به سلیمان که «لِلَّهِ بَدَنُ عَمَلِشَ رَا بِيَانُ كَرَدَه، اِیْنُ نَكْتَه رَا بَه دَسْتِ مِی دَهْد» «قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: ۴۴).

در نتیجه قدرت نرم غربی از منظر اسلامی سلبی و غیرارزشی است که به انگیزه تسلط بر دیگران به کار گرفته می‌شود ولی در مبنای قرآنی، قدرت نرم ایجابی و ارزشی بوده و ابزار آرزمند برای نیل به اهداف مقدس الهی است.

قدرت نرم قرآنی اعم از جذابیت، تهدید و تطمیع

برخی محققان قدرت نرم را توانایی اثرگذاری بر دیگران به هر شیوه‌ای جز تهدید می‌دانند و در نتیجه منابع قدرت نرم نزد آنان گسترده‌تر از منابع نزد «نای» خواهد شد (Reinold, 2003,13).

در این تعریف، قدرت نرم معنایی عام‌تر می‌یابد و هر نوع اثرگذاری بر دیگران را که حالت سخت‌افزاری نداشته باشد شامل می‌شود. براین اساس، جذابیت تنها یک عامل در اثرگذاری بر دیگران است و عوامل دیگری همچون سازمان‌های بین‌المللی، اعتبار و مشروعیت را می‌توان ذیل عنوان قدرت نرم دسته‌بندی کرد (کرباسی عامل، ۱۳۹۱: ۱۸).

در تعریف دیگر از قدرت نرم که برخی محققان اسلامی مطرح کرده‌اند، قدرت عبارت از توانایی و کارایی است. در این تعریف اثرگذاری بر دیگران و همراه کردن آنان با خود مقصود نیست بلکه قدرت نرم به مجموع منابعی گفته می‌شود که حالت نرم‌افزارانه داشته باشد و باعث افزایش توان یک بازیگر در جنبه‌های مختلف فردی و ابعاد اجتماعی مثل بُعد نظامی، اقتصادی و فرهنگی شود. کنش‌گر در این نوع از قدرت نرم به دنبال اثرگذاری بر قلب و ذهن دیگران و جذب آن‌ها نیست بلکه به دنبال افزایش کارایی و توان خویش است (همان: ۱۸ و ۱۹).

عده‌ای نیز در تعریف خود از قدرت نرم، به سه عامل تهدید به اعمال قدرت و زور، تطمیع کردن و سوم جذب کردن و همکاری به نحوی که آنچه را می‌خواهید انجام دهند اشاره کرده و بعد، گونه سوم را شکل اعمال قدرت نرم می‌نامند.

بر اساس نظریه قدرت نرم، استفاده از قدرت سخت تنها وسیله در دسترس برای نیل به اهداف نیست. مفهوم اساسی قدرت نرم، چیزی بیش از صرف توانایی نفوذ بر دیگران است؛ بلکه توانایی جذب دیگران به نحوی که به آنچه می‌خواهید بدون ضرورت کاربرد قدرت نرم برسید. قدرت نرم توانایی یک بازیگر - که البته لزوماً همواره یک کشور نیست - برای اعمال نفوذ به روی دیگران از طریق قانع ساختن آن‌هاست و در این مسیر ضرورتاً از تهدید یا زور استفاده نمی‌شود. قدرت نرم بر مردم نفوذ پیدا می‌کند ولی این کار را از طریق جذب آن‌ها - و نه اعمال زور - انجام می‌دهد (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۵۳).

از نوشتار این محقق بر می‌آید فقط عواملی که نقش جاذبه را دارند در حیطه مفهومی

قدرت نرم می‌گنجند. اگرچه این برداشت از پاره‌ای تعاریف دیگر همچون تعریف جوزف نای نیز به دست می‌آید.

اما آنچه در تفاوت ماهوی قدرت نرم و سخت خودنمایی می‌کند این است که باید توجه داشت اگرچه قدرت به توانایی تعریف شد، توانایی مفهومی انتزاعی است که ممکن است آنچه این مفهوم از آن‌ها انتزاع شده است یکسان نباشند و گاهی این مصادیق نیز منابع و ابزار نرم یا منابع و ابزار سخت باشند.

توضیح مطلب اینکه در بحث قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر افکار، عقاید، خواسته‌ها و... مطرح است که همه این‌ها از مصادیق باور هستند. اگرچه که این باور ممکن است در نهایت به عمل نیز منجر شود، قدرت سخت توانایی تأثیرگذاری به واسطه قوای فیزیکی و اصطلاحاً نظامی است. و پر واضح است این توانایی وقتی درک می‌شود که عملاً اقدام نظامی و مسلحانه صورت پذیرد و تا زمانی که این اقدام صورت نگرفته باشد، قدرت سخت محقق نمی‌شود.

حال اگر جامعه یا کشور یا دولتی با لحاظ دارا بودن نیروی نظامی قدرتمند، فقط از تهدید تبلیغاتی استفاده و دیگر جوامع را به حمله نظامی تهدید کند، عملاً این کشور یا جامعه از قدرت نرم خویش برای تأثیرگذاری بر افکار جامعه هدف بهره برده است و عمل وی در زمره قدرت نرم می‌گنجد، و نه قدرت سخت.

بنابراین، در تعریف قدرت نرم باید لحاظ کرد که توانایی تأثیرگذاری بر جامعه هدف اگرچه با ابزارهای سخت باشد باز هم قدرت نرم محسوب می‌شود و تنها زمانی می‌توان گفت جامعه‌ای قدرت سخت دارد که عملاً در عرصه عمل از ابزارهای سخت برای اعمال قدرت استفاده کند.

باتوجه به این نکته، می‌توان دریافت که وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (أنفال: ۶۰)، دست کم دو نکته را بیان می‌دارد:

اول، استفاده از این ابزار سخت برای ترساندن دشمنان خدا و دشمنان مسلمانان و غیر از این دشمنان از کسانی که مسلمانان نمی‌شناسند ولی خدا آن‌ها را می‌شناسد. این بُعد از قدرت،

اشاره به قدرت نرم جامعه اسلامی است که واجب است مسلمانان آن را به دست آورند، زیرا اگرچه این تهدید به واسطه ابزار جنگی اتفاق می افتد، به دلیل اینکه جنگی به وجود نمی آید و اساساً تمام این توانایی برای آن است که جنگی اتفاق نیفتد، این توانایی بازدارندگی از نوع همان قدرت نرمی است که قرآن آن را از مسلمانان می طلبد.

دوم: اطلاق امر در «ما استطعتم» دلالت دارد که هر آنچه باعث بازدارندگی می شود باید برای جامعه اسلامی تهیه گردد. اعم از اینکه این ابزار، ابزار جنگی باشد یا غیرجنگی، که شامل همه ابزارهای فرهنگی، اجتماعی، علمی و... می گردد. و اگر به این اطلاق استناد گردد، به طریق اولی «ترهبون به عدو اللّٰه» از زمره تهدیدهایی قرار می گیرد که مصداق قدرت نرم در جامعه اسلامی است. به دلیل اینکه قدرت نشئت گرفته از ابزار نرم، طبق تعریف مشهور از قدرت نرم نیز از مصادیق قدرت نرم است. مثلاً تهدیدی که از جانب تسلط علمی غرب مشاهده می شود، خود باعث جذب نخبگان علمی کشورهای ضعیف به کشورهای صاحب سلطه علم می گردد.

- تطمیع، داخل یا خارج از حیطه قدرت نرم

نکته دیگری که باید در مفهوم شناسی قدرت نرم به آن توجه کرد این است که طبق این تعریف «تطمیع» نیز از حیطه قدرت نرم خارج است. اما باید متوجه بود که اولاً طمع به معنای آزمندی، آن چیزی است که انسان ندارد و به حسب اینکه متعلق طمع چه باشد، به دو نوع خوب و بد تقسیم می شود.

در اسلام و قرآن، طمع به دنیا و هر آنچه غیر خدایی است مذموم و برعکس طمع داشتن به آخرت و هر آنچه مورد رضای خداوند است نیکو شمرده شده است خداوند متعال در سوره مدثر درباره کافرانی که با آیات خداوند عناد ورزیده اند درحالی که خدا به آنان اموال و فرزندان داده است بیان می دارد: این فرد طمع دارد که خدا روزی اش را زیاد کند. بلافاصله خداوند این طمع وی را بی جا وصف کرده و تحقق آن را انکار می کند: «تَمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَأَن لَّآيَاتِنَا عَنِيدًا» (مدثر: ۱۵)؛ از طرف دیگر، در بیان طمع خوب و نیکو، بندگانی را وصف می کند که خدای خود را از روی ترس و طمع عبادت می کنند «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (سجده: ۱۶) (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۰۲: ۷/۱۱۹ و ۱۲۰).

حال با توجه به اینکه تطمیع، هم خوب و شایسته و هم بد و ناشایست دارد باید به نکته دوم توجه کرد که از نظر کسانی که تطمیع را خارج از قدرت نرم می‌دانند باید پرسید: تطمیع در کدام قدرت جای می‌گیرد؟ مسلماً تطمیع به معنای تمایل به دست‌یابی به چیزهای خوب، خارج از تعریف قدرت نرم نیست و چون چنین تطمیعی برای تأثیرگذاری بر نیات و اعتقادات جامعه هدف صورت می‌پذیرد، بی‌تردید از مصادیق قدرت نرم است.

بنابراین، در قرآن تطمیع نیز برای قدرت‌افزایی نرم مورد استفاده قرار گرفته است و تمام آیاتی که وعده‌های دنیوی و اخروی را بیان می‌کنند برای این منظور بیان شده‌اند. لذاست که در تعریف قرآنی از قدرت نرم، مؤلفه تطمیع نرم نیز داخل است.

- قدرت نرم قرآنی اعم از قدرت تأثیرگذاری و قدرت نرم بازدارنده

برخی دیگر از نویسندگان به دلیل توجه به عامل تأثیرگذاری که در بعضی تعاریف بیان شده است، میان قدرت سخت و قدرت نرم تفاوتی از این جهت قائل شده و گفته‌اند: در قدرت سخت، یک بازیگر به توان خود نگاه می‌کند و چندان کاری به افکار عمومی ندارد اما در قدرت نرم همه و همه جهت همت یک بازیگر جلب توجه دیگران و جذب آنان به سمت خود است. به تعبیر نای: قدرت نرم ناظر به اذهان عمومی بازیگران بوده به گونه‌ای که اولویت‌ها و سلاقی آن‌ها را به نفع نتایج مطلوب بازیگر رقیب تغییر می‌دهد (آقا مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

در حالی که در قدرت نرم قرآنی لزوماً عنصر تأثیرگذاری شرط نیست. قرآن عامل قدرت را اولاً در اصلاح یکایک افراد جامعه تعریف می‌کند و معتقد است اگر فردی به اصلاح نفس خویش و به تعبیر دیگر، ایجاد قدرت نرم فرهنگی، اعتقادی و رفتاری در درون خود توجه کند، از چنان قدرتی برخوردار می‌گردد که هیچ عامل خارجی تهدیدکننده او نخواهد بود و این فرد در امنیت به سر خواهد برد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مانده: ۱۰۵) همین نکته بیان می‌کند که در قدرت نرم وجود دو طرف انسان که یکی بر دیگری تأثیرگذار باشد لازم نیست، بلکه اصلاح رابطه بین فرد و خدا، خود اساسی‌ترین قدرت‌افزایی در جهت ایجاد امنیت است. پرواضح است که مقصود از قدرت‌افزایی در این آیه اصلاح اعتقادات و رفتارهاست که نرم‌افزارانه بودن آن را نشان

می‌دهد. در نتیجه در مکتب قرآن چنین قدرت نرمی فرد را از هر گونه تهدید نرم ایمن داشته و امنیت نرم را برای او به ارمغان می‌آورد.

در نتیجه، نگاه قرآن به منابع قدرت نرم اعم از منابع تأثیرگذار بر دیگران و منابع قدرت افزای درونی و فارغ از نگاه به تأثیرگذاری بر دیگران است. به عبارت دیگر، عواملی که باعث واکنش شدن فرد و جامعه اسلامی می‌گردد، نیز خود به عنوان منابع قدرت نرم به حساب می‌آیند و همان گونه که تأثیرگذاری بر دیگران مهم است، تأثیر نپذیرفتن از دشمن نیز موضوعیت دارد. در جنگ نرم نیز که تقابل قدرت‌هاست، هم تأثیرگذاری بر حریف و هم تأثیر نپذیرفتن از او اهمیت دارد. کسی قدرتمند نرم است که هم در تأثیرگذاری و هم در تأثیر نپذیرفتن قدرتمند باشد؛ لذاست که خداوند متعال مؤمنانی را که حرف حق و باطل را می‌شنوند ولی از بین سخنان فقط سخن حق را پذیرفته، از آن تبعیت می‌کنند و سخن باطل را رد می‌کنند، می‌ستاید. «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸) زیرا اینان کسانی هستند که قدرت نرم جبهه باطل بر آن‌ها تأثیرگذار نیست.

این نکته که قدرتی که تقویت‌کننده فرد و جامعه در مقابل تهدیدهای دشمن باشد نیز داخل در ماهیت قدرت نرم است علاوه بر اینکه در سطرهای بالا با ادله قرآنی ثابت شد، مؤید به دلیل عقلی و منطقی نیز هست.

- دلیل عقلی بر مندرج شدن قدرت بازدارندگی در مفهوم قدرت نرم

قدرت به معنای توانایی است. طبق تعریف مشهور، توانایی تأثیرگذاری از طریق جاذبه بر دیگران قدرت نرم است.

حال طرف مقابل یعنی تأثیرپذیر نیز یا دارای قدرت بازدارندگی از این تأثیر هست، یا نیست. اگر نباشد، که مغلوب است و فاقد قدرت است.

اما اگر باشد و توانایی داشته باشد، این توانایی یا از طریق توانایی سخت و ابزارهای جنگی است، یا نیست. اگر باشد، که قدرت سخت است و اگر نباشد، سؤال این است که: چه نوع قدرتی است که در مقابل قدرت نرم دشمن مقابله کرده است؟
جواب عقلاً خارج از قدرت نرم نخواهد بود؛ زیرا حالت دیگری برای آن متصور نیست.

بنابراین، برای این طرفی که توانایی تأثیرناپذیری دارد، به دلیل اینکه توانایی موجود است و بیان شد که توانایی همان قدرت است، لذا قدرت وجود دارد و چون این قدرت سخت نیست، پس قدرت نرم است؛ زیرا حالت سومی موجود نیست. پس باید این نوع قدرت را جزو تعریف قدرت نرم و از مصادیق آن دانست درحالی‌که در تعریف مشهور از قدرت نرم که نای ارائه داده است به دلیل اینکه او فقط قدرت تأثیرگذاری را قدرت نرم محسوب کرده، این مصداق از قدرت جایی نخواهد داشت و این اشکالی بر تعریف نای است.

بنابراین، عقلاً نیز قدرت نرم هم شامل قدرت تأثیرگذاری و هم تأثیرناپذیری (قدرت بازدارندگی) می‌شود و این قید باید در تعریف قرآنی از قدرت نرم لحاظ گردد.

همین استدلال عقلی درباره جنبه دیگری از تعریف نای که پیش‌تر نظر قرآن در مورد آن بیان شد نیز وجود دارد. همان‌جا که بیان گردید که قدرتی که اعمال تهدید و تطمیع می‌کند، اگر نه از روی جنگ با سلاح باشد نیز قدرت نرم است. درحالی‌که تعریف نای فقط قدرتی را در بر می‌گرفت که از روی جاذبه باشد.

برای مثال اگر تطمیع (اقتصادی) یا تهدید (نظامی) انجام پذیرد، این موارد مصداق چه قدرتی است؟ تعریف نای، آن‌ها را از زمره قدرت نرم نمی‌داند، درحالی‌که هیچ‌یک از عوامل و حتی تأثیر ناشی از آن سخت نیست. بالاجبار عقلاً باید در تعریف قدرت نرم بگنجد.

در نتیجه این ادله عقلی، تعریف قدرت نرم به تأثیرگذاری فقط از روی جاذبه و نه تهدید و تطمیع، جامع همه افراد قدرت نرم نیست و تعریف ناقص است. و در تعریف قدرت نرم باید تأثیرگذاری و هم تأثیرناپذیری لحاظ شود و از طرفی، هر سه عامل تهدید نرم و تطمیع نرم و جاذبه نرم لحاظ گردد.

بررسی تعریفی قرآنی از قدرت نرم

یکی از محققان اسلامی نیز که قدرت نرم از منظر قرآن را بررسی کرده است، بازتعریف مجددی از قدرت نرم در قرآن ارائه داده است که بر پایه آن قدرت نرم در قرآن، نظریه‌ای چهارساحتی دارد که در هر ساحت آن بُعد نرم‌افزاری اصالت داشته و بُعد سخت‌افزاری

عَرَضِي آن است. (کرباسی عامل، ۱۳۹۱: ۶۷). چهار بعد قدرت نرم در این نظریه: منبع نرم، خاستگاه نرم، استحکام قدرت و مدیریت قدرت دانسته شده است.

استحکام قدرت، اصطلاحی است که دلالت بر نوع ساخت‌بندی مؤلفه‌های قدرت دارد و مدیریت قدرت اصطلاحی برای توصیف نحوه به کارگیری قدرت از سوی عامل انسانی است و خاستگاه قدرت دلالت بر چیستی و چرایی اثرگذار بودن قدرت است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵ و ۷ و افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱).

ایشان منابع قدرت در قرآن را اعم از سخت و نرم می‌داند ولی دلیلی برای اصیل بودن منابع نرم ارائه نداده است. اگر مقصود از نرم بودن، توجه به منابع غیرمعارف و غیرتجربه‌پذیر از دیدگاه پوزیتیویستی باشد باید پذیرفت که بعضی منابع اسلامی نیز تجربه‌پذیرند، همچون آیه شریفه که نهی از تفرقه دارد و همگان می‌دانند که تفرقه باعث از بین رفتن قدرت جامعه می‌شود. «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (أنفال: ۴۶) که در این آیه تنازع موجب از دست رفتن قدرت و هیبت و قوت و عظمت جامعه اسلامی دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۸۳) و اما اگر مقصود، توجه به اصالت تأثیرگذاری خداوند در عالم است که «لَا مُؤَثَّرٌ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»؛ در این صورت باید منکر هر نوع تأثیرگذاری شد. حتی باید پذیرفت که وقتی مثلاً چاقویی دست را می‌برد، عملاً چاقو دست را نبریده، بلکه خداوند این کار را انجام داده است.

مبنای توحیدی اگرچه در قرآن بیان شده، تقریر صحیح آن این است که خداوند متعال در نظام علی و معلولی عالم، چنین اثری را تکویناً برای علت‌ها (همچون چاقو در مثال ذکر شده) خلق کرده است که با وجود شرایطش عمل بریدن را انجام دهد. بنابراین، اعتقاد به اینکه اصلاً چاقو نمی‌برد صحیح نیست. حال در موضوع مورد بحث بهتر است در توجیه منابع نرم قرآنی تقسیم دیگری ارائه گردد که از چنین نقدی مبرا باشد. و آن اینکه منابع قرآنی قدرت نرم یا براساس مکتب پوزیتیویستی غربی تجربه‌پذیرند یا تجربه‌پذیر نیستند. باید توجه کرد که غربی‌ها منابع غیرتجربه‌پذیر را یا قبول ندارند، یا اصلاً متوجه آن نیستند. از نظر آنان علم، روش اثباتی دارد و باید تجربه‌پذیر باشد. آگوست کنت یکی از دانشمندان غربی معتقد است "همین که در مسائل نجوم و فیزیک، به شیوه اثباتی بیندیشیم، دیگر نمی‌توان در

مسائل سیاست و مذهب به شیوه‌ای دیگر اندیشید" (آرون، ۱۳۸۶: ۹۵) ولی در مبنای قرآنی پذیرش اینکه چه در علوم و چه در فهم عالم روش غیرتجربی مادی معتبر است جزو اصول و مبنای فهم قرآنی بوده و براین اساس است که خداوند متعال هر دو منبع را در قرآن معرفی می‌کند. اینکه وحدت، قدرت نرمی است که از سلب شدن قدرت جلو می‌گیرد مصداق منبع تجربه‌پذیر است. و اینکه دعا به درگاه خداوند باعث تأثیرگذاری بر قلوب مردم برای میل پیدا کردن به خانه خدا شود، با مبنای غربی تجربه‌پذیر نیست ولی با این حال این منبع را حضرت ابراهیم علیه السلام به کار گرفت. «فَأَجْعَلْ أُمَّتِي مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷) و اینکه رحمت و مهربانی با مردم باعث گرایش و جذب شدن آن‌ها به فرد می‌شود تجربه‌پذیر است و جزو منابع نرم قدرت تجربه‌پذیر محسوب می‌شود: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

نتیجه

این تحقیق برای دستیابی به ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن کریم انجام پذیرفت. برای رسیدن به پاسخ قرآنی، به شیوه تفسیر استنتاجی اولاً نظریات مطرح شده در فضای علمی مورد نظر قرار گرفت و با کشف موضوع محوری در تعاریف قدرت نرم، همان موضوع در قرآن بررسی و دیدگاه قرآن در مورد قدرت نرم مطلوب استخراج گردید. نتایج تحقیق در زمینه ماهیت قدرت نرم مطلوب قرآنی را در موارد ذیل می‌توان بیان کرد.

بنابر مطالب بیان شده به دست آمد که قدرت نرم قرآنی با قدرت نرم از دیدگاه متفکران غربی همچون جوزف نای تفاوت‌هایی بنیادین دارد. (جدول ۱)

در تعریف قرآنی توجه به عامل سومی به نام خدا به‌عنوان اصلی‌ترین تأثیرگذار در عالم برای تأثیرگذاری بر هر کسی و هر چیزی صورت پذیرفته است.

قدرت نرم اعم از جاذبیت نزد جامعه هدف است و شامل هر منبعی که ایجاد توانایی در تأثیرپذیری در دشمن و تأثیر نپذیرفتن از دشمن است می‌شود.

منابع قدرت نرم اعم از منابع تأثیرگذار مستقیم بر جامعه هدف است و شامل منابعی هم که به اصلاح رابطه فرد و خدا می‌انجامد می‌شود؛ که در نتیجه آن تأثیرپذیری بر دشمن یا عدم تأثیرپذیری از دشمن توسط خداوند و با وعده او انجام می‌پذیرد.

منابع قدرت نرم اعم از ابزارهای سخت و نرم است و تهدید و تطمیع نیز از مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شوند.

تأثیرپذیری فقط به هدف غلبه نیست، بلکه تأثیرپذیری بر جامعه هدف به جهت اهداف متعالی و حقی است که دایره آن از طریق قرآن و شریعت مشخص می‌شود. منابع قدرت نرم مطلق نیست و کنش‌گر نمی‌تواند از هر منبعی برای ایجاد غلبه استفاده کند، بلکه منبع قدرت نرم باید محدود و مقید به منابعی باشد که مرضی رضای خدا باشد. به عبارت دیگر، مخالفت با امر خداوند حتی در استفاده از منابع، جایز نیست. از این نکته در تعبیر دینی با این عبارت که «هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند» یاد می‌شود؛ یعنی نمی‌توان برای ایجاد غلبه از هر منبع و ابزاری به‌عنوان قدرت نرم استفاده کرد.

جدول ۱: مقایسه تفاوت مؤلفه‌های ماهیت قدرت نرم غربی و قدرت نرم مطلوب قرآنی

ماهیت قدرت نرم در تعریف مشهور غرب	ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن
تأثیرگذاری یک طرف بر طرف دیگر	تأثیرگذاری یک طرف بر طرف دیگر
جذابیت، عنصر تأثیرگذار این تعریف است	جذابیت یکی از مؤلفه‌های این تعریف است
قدرت نرم فقط از ابزار غیرنظامی حاصل می‌شود	قدرت نرم می‌تواند از ابزار نظامی یا غیرنظامی به دست آید
خداوند عامل سوم تأثیرگذار در قدرت نرم محسوب نمی‌شود.	خداوند نقش اساسی در قدرت نرم داشته و به‌عنوان عامل سوم تأثیرگذار مطرح است.
ماهیت قدرت نرم محدودیت از نظر تطابق با دستورهای الهی را بر نمی‌تابد و خود را غیرمحدود می‌بیند.	تطابق مؤلفه‌های قدرت نرم با دستورهای الهی در ماهیت قدرت نرم، اخذ شده و لازم است.
ماهیت قدرت نرم محدود به منابع مادی و محسوس و قابل تجربه است.	قدرت نرم شامل منابع غیرمادی (معنوی) و مادی (محسوس و تجربه‌پذیر) می‌شود.
هدف لحاظ شده در ماهیت قدرت نرم عبارت است از تأثیرگذاری بر طرف مقابل	هدف لحاظ شده در ماهیت قدرت نرم عبارت است از تقرب به درگاه الهی و جلب رضای خداوند
تهدید و تطمیع، در ماهیت قدرت نرم نمی‌گنجد	تهدید و تطمیع، جزو ماهیت قدرت نرم هستند
قدرت بازدارندگی، جزو ماهیت قدرت نرم نیست	قدرت بازدارندگی، جزو ماهیت قدرت نرم است

(منبع: یافته‌های پژوهش)

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم.
- آقا مهدوی، اصغر و مهدی نادری باب اناری (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۶۷-۲۰۴.
- ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقائیس اللغه، مصحح عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اصفهانى، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن، مصحح صفوان عدنان داودی، دارالعلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، چاپ اول.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، بهار، ص ۱-۲۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰). «اسلامی نمودن روابط بین الملل، رویکردی قرآنی»، مجموعه مقالات اخلاق و روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب.
- پورطاهر زرعی، محمدتقی (۱۳۹۱). قدرت نرم در اندیشه امام خمینی علیه السلام، پایان نامه ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). قدرت نرم و امنیت نرم «چالش‌ها و راه کارهای فراروی جهان اسلام»، ترجمه میثم شیروانی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم، دارالفکر المعاصر، بیروت، چاپ اول.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۴). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۰). لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم (از دوره جدید).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). «فتاوری‌های قدرت در جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، ش ۱، ص ۵-۳۰.
- راسل، برتراند (۱۳۶۷). قدرت، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی، تهران.

ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن ۲۹۳

ریمون، آرون (بهار ۱۳۸۶). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هشتم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

فراهیدی، خلیل بن احمد. العین، تصحیح مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.

فیومی، احمد بن محمد مقری (بی تا). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، منشورات دارالرضی، چاپ اول.

قاضی زاده، کاظم (۱۳۹۶). تفسیر موضوعی، مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث، قم.

قهرمان پور، عسگر (۱۳۹۳). دانشنامه قدرت نرم، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، چاپ اول. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). منهج الصادقین فی الزام المخالفین، انتشارات محمدحسن علمی، تهران.

کرباسی عامل، وحید (تیر ۱۳۹۱). پایان نامه قدرت نرم از نگاه قرآن، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

گالبرایت، جان کنت (۱۳۶۶). کالبد شناسی قدرت، ترجمه احمد شهسا، بی جا، تهران. لوکس، استیون (۱۳۷۰). قدرت: فرانسائی یا شر شیطان، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

لی، می جیانگ (۱۳۹۰). قدرت نرم چین، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.

مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، مرکز کتاب للترجمة والنشر.

نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل)، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.

وبر، ماکس (۱۳۸۸). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، نشر مرکز، تهران، چاپ هشتم.

هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰). جنگ نرم از نگاه قرآن کریم، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.

Axford Advanced Learner's Dictionary of current English, seven edition, AS Hornby, Oxford University press, 2005.

Reinold, Theresa (2003). *soft power in foreign policy*, Germany, Berlin, VDV Verlag.